



جنگ باید ادامه یابد

وزیر سابق امنیت داخلی رژیم صهیونیستی ضمن انتقاد از نخست‌وزیر این رژیم، بار دیگر بر خواسته خود «تابودی» جنبش حماس فلسطین تأکید کرد. ایتامار بن گویر، وزیر سابق امنیت داخلی رژیم صهیونیستی گفت، اینکه کابینه این رژیم پیشنهاد «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا را برای آزادی بی‌قید و شرط آسرای صهیونیستی و اینکه در غیر این صورت درهای جهنم باز خواهد شد، تصویب نمی‌کند، مایه شرمساری مطلق است. وی افزود، حتی تصمیم کابینه برای ادامه التماس از حماس برای موافقت با ادامه آتش‌بس به جای نابودی این جنبش، شرمساری مضاعف است. با تعلق تبادل آسرا از سوی حماس که به دلیل نقض‌های مکرر مفاد آتش‌بس توسط رژیم صهیونیستی صورت گرفته بود، ترامپ تهدید کرد که اگر مقاومت فلسطین همه آسرای صهیونیستی را آزاد نکند، غزه را به جهنم تبدیل می‌کند. تهدیدی که با ادامه تبادل آسرا عملاً لغو شد. از سوی دیگر، بن گویر از تصمیم کابینه برای توقف انتقال کمک‌ها به نوار غزه استقبال کرد و گفت باید که اجرای این سیاست تا زمان آزادی آخرین اسیر صهیونیستی ادامه یابد. اکنون زمان مناسبی برای کشودن درهای جهنم و قطع برق و آب و بازگشت به جنگ است.



یمن به جنگ اسرائیل برمی‌گردد

رهبر انصارالله یمن تصریح کرد که در صورت از سرگیری جنگ در نوار غزه، نیروهای مسلح یمن، عملیات‌های نظامی خود علیه رژیم صهیونیستی را آغاز خواهند کرد. عبدالملک الحوثی رهبر انصارالله یمن، بر موضع ثابت و تعهد دینی، انسانی و اخلاقی خود برای حمایت از مردم فلسطین و رزمندگان مقاومت فلسطین و در رأس آن‌ها کتائب القسام تأکید کرد. به گزارش شبکه المنار، وی تصریح کرد که تلاش‌های رژیم اسرائیل برای شانه‌خالی کردن از توافق آتش‌بس غزه و دور زدن الزامات مرحله دوم توافق با حماس و مبادله آسرا را دنبال می‌کند. الحوثی در ادامه هشدار داد که در صورت بازگشت جنگ به غزه، ما در مسیرهای مختلف نظامی برای پشتیبانی مداخله خواهیم کرد. «بازگشت جنگ به غزه، با بازگشت کل رژیم دشمن به زیر آتش، همراه خواهد شد».



ائتلافی از اراده

نخست‌وزیر انگلیس با بیان اینکه کشورش با همکاری فرانسه و اوکراین، طرح صلحی را به آمریکا ارائه خواهد داد، گفت، کشورهای اروپایی به ضمانت امنیتی یا پشتیبانی از سوی واشنگتن برای جلوگیری از حمله دوباره روسیه در صورت توافق صلح نیاز دارند. به گزارش رویترز، استدلال کی‌یر استارمر از مدت‌ها پیش چنین بوده که نیروهای حافظ صلح اروپا به ضمانت امنیتی از سوی دولت دونالد ترامپ در هرگونه توافق صلح عملی در اوکراین نیاز دارند. استارمر در مصاحبه با شبکه خبری بی‌بی‌سی انگلیسی اظهار داشت: «همیشه به وضوح گفته‌ام که این روند به پشتیبانی آمریکا نیاز دارد، زیرا فکر نمی‌کنم بدون آن تضمینی باشد.» استارمر همچنین گفت که انگلیس و فرانسه درباره توافق صلح با اوکراین همکاری خواهند کرد و آن را به ترامپ ارائه خواهند داد. استارمر که میزبان سران غربی در لندن، در تلاش برای احیای توافق صلح است، افزود، امیدوار است «ائتلافی از اراده» اروپایی‌ها درباره حمایت از کی‌یف به نتیجه برسد اما هر گونه آتش‌بس، به حمایت آمریکا نیاز دارد تا از حمله دوباره روسیه به اوکراین جلوگیری کند.

همینطور ادامه دارند. ادعاهای ترامپ درباره آغاز جنگ اوکراین غلط است. او ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین را مقصر می‌داند در صورتی که این ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه بود که دستور داد تانک‌هایش وارد کشور دیگری شوند و خون‌ریزی پس از آن را رقم زد. او ادعاهایی را برای سرزمین‌های خارجی مثل گرینلند، غزه، کانال پاناما و کانادا در نسخه قرن بیست‌ویکم امپریالیسم آمریکا مطرح کرده است.

فرمان‌های اجرایی بی‌درپی ترامپ آنقدر زیاد است که عده کمی تمام آنها را به یاد دارند که بخشی از استراتژی اوست. بسیاری از مسئولین آمریکایی اقدامات او را در امتداد خط مشی سیاسی توصیف کرده‌اند؛ حذف هزینه‌های اضافی دولت، امن‌تر کردن مرز، ساختار شکنی در سیستم اداری دولت، بازگرداندن اعتماد در سیستم قضایی، دریافت سهم منصفانه آمریکا در تجارت خارجی. این‌ها اقداماتی ناپخته از اعمال قدرت‌اند که نمونه‌های بسیار کمی در تاریخ اخیر آمریکا از آن دیده شده است.

ترامپ همیشه می‌خواست که پادشاه قدرتمندی باشد؛ بازاری فروشی که املاک شگفت‌انگیزی دارد که برای خود برندی شده است، ستاره برنامه تلویزیونی پر مخاطب، سیاستمداری که در تمام نظرسنجی‌ها در صدر قرار دارد و آن دسته از نظرسنجی‌هایی را که محبوبیت او را پایین نشان می‌دهند، مردود می‌داند. و گلف‌بازی که همیشه قهرمان باشگاه خود می‌شود. اقدامات او نباید برای هر کسی که در طول ۴ سال غم‌باری که روی کار نبود، غافلگیرکننده باشد. فقط سرعت اقدامات او ممکن است مردم را شوکه کرده باشد.

او می‌خواهد همه چیز را دیکته و کنترل کند. او قدرت می‌خواهد تا بر سازمان‌های مستقل نظارت و آنها را هدایت کند (که محافظه‌کاران می‌گویند نظم قانون اساسی را بازیابی می‌کند). می‌خواهد کنترل «خدمات پستی ایالات متحده» را به‌دست بگیرد. انگار چیزی وجود ندارد که ببیند و فکر نکند که باید تحت کنترل او باشد.

برخی از آمریکایی‌ها دقیقاً همین را می‌خواهند، شوک الکتریکی به بدنه سیاست، آسیب شدید به طبقه ایت، پاداش به بوروکرات‌هایی که انگار غافل شده‌اند به چه کسی باید خدمت کنند. برای دیگران، ماه گذشته بدت از تصورها درباره دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ بود.

او می‌گوید که پایان دادن به جنگ در اوکراین در اولویت است اما در آغاز تاریخ را برگرداند. برخورد او به گونه‌ای بود که روسیه به نادرستی نادیده گرفته شده و لفاظی‌هایی را هم به زلنسکی نسبت داد که هم تحریک‌آمیز بود هم نادرست. مسکو چرخش رخدادها را تقدیر کرد. زلنسکی واکنش خشونت‌آمیزی داشت، ترامپ را متهم کرد که در سرزمین اطلاعات نادرست زندگی می‌کند. مارکو رویو، وزیر امور خارجه گفت که زلنسکی باید قدرانی خود را نسبت به آنچه ایالات متحده انجام داده نشان دهد. اما آینده اوکراین چه خواهد شد؟

ردی از عدم ثبات در مسیر ترامپ برای پایان دادن به جنگ باقی مانده. ترامپ زلنسکی را «دیکتاتور بدون انتخابات» نام‌گذاری کرده اما پس از دیدار کی‌ت کلاگ، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور به اوکراین، زلنسکی را در پستی در شبکه ایکس «رهبر شجاع و آماده جنگ از کشوری جنگ‌زده» توصیف کرد.

هیچ‌کس جرأت ندارد مستقیماً حرفی متناقض با رئیس‌جمهور بزند. مایکل والتز، مشاور امنیت ملی در نشست خبری کاخ سفید درباره ادعای رئیس‌جمهور که می‌گوید اوکراین مقصر جنگ است، می‌گوید: «مبارزه ادامه‌داری در هر دو طرف وجود داشته.» والتز زمانی که نماینده کنگره بود همواره پوتین را مقصر می‌دانست. او حالا نمی‌تواند این را بگوید. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ به آلمان رفت. اما به جای اشاره به تهدیدهای روسیه، به اروپایی‌ها گفت که تهدیدهای بزرگ در داخل‌اند؛ امری که نشان‌دهنده پسرقتی از ارزش‌های سنتی است.

اولین ماه از ریاست‌جمهوری ترامپ بیشتر قابل توجه قرار گرفته، نه به این خاطر که چه دستاوردهایی داشته بلکه چگونه آغاز شده است. ترامپ هم قابل پیش‌بینی است هم غیرقابل پیش‌بینی. یک روز حرفی را می‌زند که ممکن است شباهت کمی به آنچه روز بعد می‌گوید، داشته باشد که تداعی‌کننده سخنان ژنرال بازنشسته ارتش، دیوید پترایس در روزهای اول و پرهرج‌ومرج جنگ عراق است که گفت: «من به بگو چچوری تموم می‌شه.»

را رقم می‌زند و جنگ دومی را در میان مقامات، رای‌دهندگان و بازارهای مالی بر سر آینده جمهوری ایجاد می‌کند. نیویورک هم‌اکنون شاهد گوشه‌ای از این رخدادهاست؛ دادستان‌های فدرال و مقامات نیویورک در اعتراض به توافق با آدامز استعفا داده‌اند.

حتی اگر بحران قانون اساسی وجود نداشته باشد، واقعیت روی خشن خود را نشان خواهد داد. ترامپ هر چقدر هم که ادعا کند، وضع تعرفه و کسری بودجه در واقعیت منجر به ایجاد تورم می‌شوند. بازارها این موضوع را به خوبی می‌دانند، همان‌گونه که می‌دانند اگر که سیستم قضایی به ماشینی برای پارتی‌بازی و تلافی‌جویی تبدیل شوند، کسب‌وکارها چه آسیبی خواهند دید. بوروکراسی آمریکا خدمات حیاتی را ارائه می‌دهد، اگر خراب شود، شهروندان آسیب می‌بینند. آمریکایی‌ها ممکن است از ایده کمک کردن خوششان نیاید اما اگر ببینند کودکانی که به نام آنها آسیب می‌بینند چه احساسی پیدا می‌کنند، شاید رای‌دهندگان هم‌اکنون که از عملکرد یک‌ماهه ترامپ حمایت می‌کنند اهمیتی به این مسائل ندهند. اما نمی‌توان با قاطعیت گفت که اوضاع به همین شکل باقی خواهد ماند.

در سیاست خارجی ترامپ آزاد است تا جهان را از نو بسازد و آمریکا ممکن است پیش از آنکه کسی بتواند جلوی او را بگیرد شکست فاجعه‌باری در برابر نفوذ چین و روسیه متحمل شود. در مقابل، انتظار آغاز جنگی در خانه وجود دارد و رئیس‌جمهور هنوز با ملغی کردن نظم قانون اساسی فاصله بسیاری دارد. ترامپ با همین شخصیتی که دارد می‌تواند هر گونه اقدام افراطی را در نظر داشته باشد. اما در این زمانه پراشوب، جمهوری خواهان باید فضیلت خویش‌داری را به یاد داشته باشند؛ فارغ از منافع شخصی و میهن‌پرستی. اگر رئیس‌جمهور منتخب بعدی از حزب دموکرات باشد، می‌تواند از هر آنچه ترامپ تصرف کرده، علیه او استفاده کند. در هفته گذشته، ترامپ در هفته گذشته دو طرح را پیشنهاد داد؛ یکی در خانه و دیگری در خارج که نیازمند آن است تا نیازهای ترامپ را در اولویت خود قرار دهند. در هر دو مورد ترامپ توانست آنچه را که می‌خواست به‌دست آورد.

ترامپ به برخی از اقدامات اجرایی خود افتخار می‌کند اما هر کاری را نمی‌تواند از این طریق انجام داد. مثلاً تصویب بودجه، آن هم به این شکل که شامل کاهش مالیات موردی که ترامپ وعده آنها را در کمپین تبلیغاتی خود داده بود، باید از طریق کنگره انجام شود اما تعدادی از جمهوری خواهان هستند که از این طرح حمایت نمی‌کنند. آنها می‌خواهند بودجه فدرال را کاهش دهند.

پادشاه خیالی

ترامپ همیشه می‌خواست که پادشاه موفقی باشد. اولین ماه از دور دوم ریاست‌جمهوری تمایل او برای کنترل بیشتر را نشان داد. هفته گذشته کاخ سفید جلد جعلی مجله‌ای را از ترامپ در حالی که تاج بر سر دارد، منتشر کرد. دن بالز، خبرنگار واشنگتن پست می‌نویسد، این عکس جعلی شامل خط افق نیویورک پس از آن است که ترامپ برنامه هزینه طرح ترافیک این شهر را لغو کرد. «زنده‌باد پادشاه» تیترا این مجله است. به‌طور اتفاقی، یک روز بعد نسخه دیجیتالی مجله اکونومیست با جلدی منتشر شد که ترامپ را از پشت نشان می‌داد که تاج بر سر دارد. اکونومیست تیترا «پادشاه احتمالی» را انتخاب کرده بود؛ بدون اینکه طنزی در آن باشد.

تعجبی ندارد که توهماتی درباره فرمانروایی آمریکایی وجود دارد. در عرض چند هفته، رئیس‌جمهور نظم جهانی را با استقبال از روسیه، سرزنش اوکراین و توهین به اروپا واژگون کرد. او پتکی را بالای سر بوروکراسی فدرال قرار داده است. ترامپ به‌وضوح گفت که به توانایی کنترل قدرت کنگره اهمیتی نمی‌دهد. او حذف هرگونه تظاهر به استقلال قوه قضائیه را آغاز کرد. مصداق‌ها

کوچ اجباری می‌کند که انکار اساسی‌ترین حقوق آنهاست. ترامپ در هر مورد سنگدلی عامدانه‌ای را نشان داده است. متأسفانه، این روشی برای کسب قدرت است چون شرمندگی این ایده را می‌پروراند که هر کسی که قدرتمندتر است می‌تواند آنچه را که می‌خواهد بدون چالش به‌دست آورد.

این همان باوری است که ترامپ را دچار مشکل می‌کند. محاکم قضایی را به‌عنوان مثال در نظر بگیرید. فعلاً رئیس‌جمهور هر کاری که دلش می‌خواهد انجام می‌دهد. با این حال در یک سیستم فدرال جایی که دولت‌ها حق و حقوق دارند و اکثر شهروندان و سرمایه‌گذاران همچنان به حاکمیت قانون اعتقاد دارند، قدرت در دست دادگاه‌هاست، حتی اگر روند کندی داشته باشند. دیوان عالی ممکن است به ترامپ میزانی از آنچه را که می‌خواهد بدهد اما قطعاً همه‌چیز نخواهد بود. ترامپ اساساً وعده داده تا از حاکمیت قانون پیروی کند و سپس گفته‌ای از ناپلئون را نقل می‌کند: «او که کشور را نجات می‌دهد از هیچ قانونی تخطی نمی‌کند.»

نافرمانی دیوان عالی بحران قانون اساسی

ترامپ همیشه می‌خواست که پادشاه قدرتمندی باشد؛ بسازد بفرشی که املاک شگفت‌انگیزی دارد که برای خود برندی شده است، ستاره برنامه تلویزیونی پر مخاطب، سیاستمداری که در تمام نظرسنجی‌ها در صدر قرار دارد و آن دسته از نظرسنجی‌هایی را که محبوبیت او را پایین نشان می‌دهند، مردود می‌داند و گلف‌بازی که همیشه قهرمان باشگاه خود می‌شود. اقدامات او نباید برای هر کسی که در طول ۴ سال غم‌باری که روی کار نبود، غافلگیرکننده باشد. فقط سرعت اقدامات او ممکن است مردم را شوکه کرده باشد



خیالی

نالد ترامپ
های اجرایی، قانونی و قضایی
الش کشیده است